



بنیادهای نظری شهر اصیل اسلامی

دکتر اسمعیل دلیر

«عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور»

دکتر محمدتقی معصومی

«عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل»

امروز کتابخوانی و علم‌آموزی نه تنها یک وظیفه‌ی ملی، که یک واجب دینی است!

مقام معظم رهبری

در عصر حاضر یکی از شاخصه‌های ارزیابی رشد، توسعه و پیشرفت فرهنگی هر کشوری میزان تولید کتاب، مطالعه و کتاب‌خوانی مردم آن مرز و بوم است. ایران اسلامی نیز از دیرباز تاکنون با داشتن تمدنی چندهزارساله و مراکز متعدد علمی، فرهنگی، کتابخانه‌های معتبر، علما و دانشمندان بزرگ با آثار ارزشمند تاریخی، سرآمد دولت‌ها و ملت‌های دیگر بوده و در عرصه فرهنگ و تمدن جهانی به‌سان خورشیدی تابناک همچنان می‌درخشد و با فرزندان نیک‌نهاد خویش هنرنمایی می‌کند. چه کسی است که در دنیا با دانشمندان فرزانه و نام‌آور ایرانی همچون ابوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، فارابی، خوارزمی و ... همچنین شاعران برجسته‌ای نظیر فردوسی، سعدی، مولوی، حافظ و ... آشنا نباشد و در مقابل عظمت آنها سر تعظیم فرود نیاورد. تمامی این افتخارات ارزشمند، برگرفته از میزان عشق و علاقه فراوان ملت ما به فراگیری علم و دانش از طریق خواندن و مطالعه منابع و کتاب‌های گوناگون است. به شکرانه الهی، تاریخ و گذشته ما، همیشه درخشان و پر بار است. ولی اکنون در این زمینه در چه جایگاهی قرار داریم؟ آمار و ارقام ارائه‌شده از سوی مجامع و سازمان‌های فرهنگی در مورد سرانه مطالعه هر ایرانی، برایمان چندان امیدوارکننده نمی‌باشد.

کتاب، دروازه‌ای به سوی گستره دانش و معرفت است و کتاب خوب، یکی از بهترین ابزارهای کمال بشری است. همه دستاوردهای بشر در سراسر عمر جهان، تا آنجا که قابل کتابت بوده است، در میان دست‌نوشته‌هایی است که انسان‌ها پدید آورده و می‌آورند. در این مجموعه بی‌نظیر، تعالیم الهی، درس‌های پیامبران به بشر، و همچنین علوم مختلفی است که سعادت بشر بدون آگاهی از آنها امکان‌پذیر نیست. کسی که با دنیای زیبا و زندگی‌بخش کتاب ارتباط ندارد بی‌شک از مهم‌ترین دستاورد انسانی و نیز از بیشترین معارف الهی و بشری محروم است. با این دیدگاه، به‌روشنی می‌توان ارزش و مفهوم رمزی عمیق در این حقیقت تاریخی را دریافت که اولین خطاب خداوند متعال به پیامبر گرامی اسلام (ص) این است که «بخوان!» و در اولین سوره‌ای که بر آن فرستاده عظیم‌الشان خداوند، فرود آمده، نام «قلم» به تجلیل یاد

شده است: «إِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ. الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ» در اهمیت عنصر کتاب برای تکامل جامعه انسانی، همین بس که تمامی ادیان آسمانی و رجال بزرگ تاریخ بشری، از طریق کتاب جاودانه مانده‌اند.

دانشگاه پیام‌نور با گستره جغرافیایی ایران شمول خود با هدف آموزش برای همه، همه‌جا و همه‌وقت، به‌عنوان دانشگاهی کتاب‌محور در نظام آموزش عالی کشورمان، افتخار دارد جایگاه اندیشه‌سازی و خردورزی بخش عظیمی از جوانان جویای علم این مرز و بوم باشد. تلاش فراوانی در ایام طولانی فعالیت این دانشگاه انجام پذیرفته تا با بهره‌گیری از تجربه‌های گرانقدر استادان و صاحب‌نظران برجسته کشورمان، کتاب‌ها و منابع آموزشی درسی شاخص و خودآموز تولید شود. در آینده هم، این مهم با هدف ارتقای سطح علمی، روزآمدی و توجه بیشتر به نیازهای مخاطبان دانشگاه پیام‌نور با جدیت ادامه خواهد داشت. به‌طور قطع استفاده از نظرات استادان، صاحب‌نظران و دانشجویان محترم، ما را در انجام این وظیفه مهم و خطیر یاری‌رسان خواهد بود. پیشاپیش از تمامی عزیزانی که با نقد، تصحیح و پیشنهادهای خود ما را در انجام این وظیفه خطیر یاری می‌رسانند، سپاسگزاری می‌نماییم. لازم است از تمامی اندیشمندانی که تاکنون دانشگاه پیام‌نور را منزلگه اندیشه‌سازی خود دانسته و ما را در تولید کتاب و محتوای آموزشی درسی یاری نموده‌اند، صمیمانه قدردانی گردد. موفقیت و بهروزی تمامی دانشجویان و دانش‌پژوهان عزیز آرزوی همیشگی ما است.

دانشگاه پیام‌نور

فهرست مطالب

پیشگفتار	نُه
فصل اول. مفاهیم، دیدگاه‌ها و ارکان شهر اصیل اسلامی	۱
مقدمه	۱
۱-۱ مفهوم شهر اسلامی	۱
۲-۱ ماهیت شهر اسلامی	۲
۳-۱ شهر اسلامی از دیدگاه شرق شناسان غربی	۷
۴-۱ مفاهیم شهر اصیل اسلامی	۱۲
۵-۱ گونه شناسی شهر اسلامی	۱۳
۶-۱ شهر اصیل اسلامی از دیدگاه قرآن کریم	۲۲
۷-۱ شهر اصیل اسلامی از دیدگاه حضرت رسول اکرم(ص)	۲۵
۸-۱ شهر اصیل اسلامی از دیدگاه امامان معصوم(ع)	۲۷
۹-۱ شهر اصیل اسلامی از دیدگاه برخی مورخان، اندیشمندان و پژوهشگران اسلامی	۲۸
۱۰-۱ ارکان شهر اصیل اسلامی	۴۶
۱۱-۱ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان	۴۹
فصل دوم. مبانی اصول جهان‌بینی توحیدی	۵۱
مقدمه	۵۱
۱-۲ مفهوم جهان‌بینی	۵۱
۲-۲ شناخت چیستی شهر اسلامی	۵۳
۳-۲ توحید	۵۵
۴-۲ عدالت	۵۹
۵-۲ عبودیت و عبادت	۶۴

- ۶-۲ معنویت‌گرایی ۶۵
- ۷-۲ تقوا ۶۵
- ۸-۲ ایمان ۶۸
- ۹-۲ عمل صالح ۶۹
- ۱۰-۲ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان ۶۹

فصل سوم. مؤلفه‌های وجه فکری و عقیدتی در بنیادهای نظری شهر اصیل اسلامی ۷۱

- مقدمه ۷۱
- ۱-۳ اصول بنیادین وجه فکری و عقیدتی شهر اسلامی ۷۱
- ۱-۱-۳ اصل امنیت ۷۳
- ۲-۱-۳ اصل پرهیزکاری و نخبگی شهروندان ۷۹
- ۳-۱-۳ اصل زمامداری شهر توسط حکیمان خردمند ۸۲
- ۴-۱-۳ اصل اشاعه معنویت و دین ورزی ۸۵
- ۵-۱-۳ اصل نظم و انسجام شهری ۸۶
- ۶-۱-۳ اصل رفاه و توسعه فضاهای عمومی ۸۶
- ۷-۱-۳ اصل تساوی در اعمال حقوق شهروندی برای همگان ۸۸
- ۲-۳ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان ۸۹

فصل چهارم. مؤلفه‌های وجه عملی و رفتاری بنیادهای نظری شهر اصیل اسلامی ۹۱

- مقدمه ۹۱
- ۱-۴ مؤلفه‌های وجه عملی و رفتاری ۹۱
- ۲-۴ عدالت و برابری شهروندان ۹۳
- ۳-۴ اصل وحدت ۹۷
- ۱-۳-۴ رفتار مؤمنین مسلمان ۹۷
- ۲-۳-۴ همزیستی مسالمت‌آمیز شهروندان ۹۸
- ۴-۴ اسوه رفتاری شهروندان اسلامی ۱۰۱
- ۱-۴-۴ زمینه‌های گرایش به اسوه‌ها ۱۰۱
- ۲-۴-۴ کارکردهای الگو و اسوه ۱۰۳
- ۳-۴-۴ ارائه اسوه‌ها در قرآن مجید ۱۰۴
- ۴-۴-۴ تأکید قرآن بر روش اسوه‌نمایی ۱۰۴
- ۵-۴-۴ الگوی اصیل قرآنی ۱۰۵
- ۶-۴-۴ ساحت حیات انسان ۱۰۵
- ۷-۴-۴ اسوه صالحین ۱۰۸
- ۵-۴ تأمین سلامت روح شهروندان ۱۰۹
- ۶-۴ ثبات اجتماعی شهروندان ۱۱۷
- ۷-۴ تعلیم و تربیت ساکنین شهر ۱۲۰

۱۲۱	۸-۴ اصل لاضرر و لاضرار
۱۲۵	۹-۴ ضرورت وجود حاکم در شهر اصیل اسلامی
۱۲۹	۱-۹-۴ روابط حاکمان با اهل شهر
۱۳۲	۱۰-۴ اصل ممنوعیت و ضمان‌آوری اتلاف (قاعده اتلاف)
۱۳۳	۱۱-۴ اصل حریم املاک
۱۳۴	۱۲-۴ اصل طبیعت‌گرایی (توجه به طبیعت)
۱۵۱	۱۳-۴ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان
۱۵۳	فصل پنجم. مؤلفه‌های وجه عینی شهر اصیل اسلامی
۱۵۳	مقدمه
۱۵۳	۱-۵ مؤلفه‌های وجه عینی
۱۵۶	۲-۵ وحدت در کثرت
۱۶۳	۱-۲-۵ تعادل
۱۷۰	۲-۲-۵ اصل هماهنگی
۱۷۱	۳-۲-۵ اصل نظم
۱۷۴	۴-۲-۵ همکاری، تعاون و مشارکت
۱۷۵	۳-۵ اصل اندازه
۱۷۷	۴-۵ اصل حد
۱۷۹	۵-۵ اصل حریم
۱۸۴	۶-۵ اصل زیبایی
۱۹۴	۷-۵ اصل شکر و ذکر و تسبیح
۱۹۸	۸-۵ اصل عبودیت و عبادت
۲۰۰	۹-۵ اصل تقوا
۲۰۱	۱۰-۵ اصل امر به معروف نهی از منکر
۲۰۱	۱۱-۵ اصل کرامت انسان
۲۱۲	۱۲-۵ اصل عبرت‌گیری
۲۱۴	۱۳-۵ اصل تفکر
۲۱۸	۱۴-۵ اصل تواضع
۲۱۹	۱۵-۵ اصل سلسله‌مراتب
۲۲۵	۱۶-۵ اصل حیا و محرمیت
۲۳۳	۱۷-۵ اصل عدم پذیرش ولایت کفار
۲۳۶	۱۸-۵ اصل عزت‌نفس
۲۳۸	۱۹-۵ اصل احسان
۲۳۹	۲۰-۵ اصل امنیت
۲۴۰	۲۱-۵ اصل هدایت‌گری
۲۴۱	۲۲-۵ اصل ضرورت اصلاح

۲۴۳ ۲۳-۵ عمران و آبادی زمین
۲۴۵ ۲۴-۵ اصل میانه‌روی (اعتدال)
۲۴۶ ۲۵-۵ اصل همزیستی مسلمانان با طبیعت
۲۴۸ ۲۶-۵ اصل عدم فساد
۲۵۰ ۲۷-۵ اصل اجتناب از کبر و غرور
۲۵۱ ۲۸-۵ اصل تساهل و تسامح
۲۵۱ ۲۹-۵ فقدان غفلت در شهر
۲۵۲ ۳۰-۵ اصل قناعت
۲۵۶ ۳۱-۵ اصل عدم اسراف
۲۵۸ ۳۲-۵ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان
۲۶۱ فصل ششم. مصادیق عینی شهر اصیل اسلامی
۲۶۱ مقدمه
۲۶۲ ۱-۶ روش‌ها و راهکارهای ساخت شهر اصیل اسلامی
۲۷۱ ۲-۶ ساخت محله در شهر اصیل اسلامی
۲۸۴ ۳-۶ جمع‌بندی و دیدگاه نویسندگان
۲۹۵ منابع

پیشگفتار

علی‌رغم همه نکات مثبتی که در شهرهای تاریخی مسلمین و در پاسخگویی به تعالیم و حیانی اسلام وجود داشته است. متأسفانه مبانی نظری مورد استفاده و مورد استناد برای احیاء و بازنگری در شهرهای اصیل اسلامی تألیف نشده باقی مانده و بعضاً سینه به سینه و یا از طریق روابط استاد و شاگردی به آیندگان منتقل شده‌اند. این امر موجب شده تا در ممالک اسلامی، مبانی نظری مکتوبی جهت مقابله با الگوهای بیگانه (و یا حداقل اصلاح آن‌ها) در دسترس نباشد. چنین عواملی (از جمله غفلت، از خودبیگانگی) باعث شده، طی سده‌های اخیر تغییرات عمده‌ای در تجلی عینی شهرهای مسلمین در جهت همسان شدن آن‌ها با شهرهای بیگانه (غربی) به وجود آید؛ بنابراین برای رفع این مشکل و اصلاح وضع موجود، اولین گام تألیف مبانی نظری شهر اصیل اسلامی است. هرچند که شرق‌شناسان غربی در خصوص شهرهای اسلامی کتب و مقالاتی را تألیف نموده‌اند؛ اما بیشتر آن‌ها از دیدگاه علوم غربی بوده و بایستی به نظریه‌های جدید که همه حقایق و جوانب شهرهای اسلامی را بتواند تحلیل کند، متوسل شد و مؤلفه‌های شهر اصیل اسلامی را برای برنامه‌ریزان آمایش شهر اسلامی ارائه نمود تا آن‌ها بتوانند با اجرا نمودن آن مؤلفه‌ها در ابعاد مختلف زندگی مسلمانان، تغییراتی را در وجه فکری، عملی و رفتاری ایجاد نموده و شاهد تجلی این رفتارها در فضای عینی شهرهای اسلامی باشند. لذا با توجه به نگرانی نظریه‌پردازان شهرهای اسلامی از اوضاع کنونی مسائل شهری کشورهای اسلامی، در تألیف این کتاب کاملاً سعی و تلاش شد تا

بنیادهای نظری شهر اصیل اسلامی از نگاه تعالیم و حیانی بیان و تألیف گردد. ازاین رو کتاب حاضر در چارچوب واحد درسی بنیادهای نظری شهر اصیل اسلامی در مقطع دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری فصل‌بندی و تألیف شده و می‌تواند برای رشته‌های دیگر همچون معماری، شهرسازی، برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مفید باشد.

«شهر انسان» را هدف معراج هوست
این زمین راه است «شهر عشق» اوست
(علی‌آبادی)

مؤلفان

فصل اول

مفاهیم، دیدگاه‌ها و ارکان شهر اصیل اسلامی

مقدمه

شهر اصیل اسلامی حاصل پیوند اندیشه، ایمان و حیات اجتماعی در چارچوب جهان‌بینی توحیدی است. در این فصل، مبانی نظری و معرفتی شهر اسلامی بررسی می‌شود تا نشان دهد چگونه باورهای دینی در کالبد و ساختار شهر جلوه‌گر می‌گردند. فهم این بنیادها گامی است در جهت بازشناسی هویت واقعی تمدن اسلامی در عرصه شهرسازی.

۱-۱ مفهوم شهر اسلامی

به‌طور یقین پذیرفته شده است که خاستگاه شهرسازی اسلامی در شبه‌جزیره عربستان نهفته است (نوردج، ۲۰۱۷، ۱۵۶). حسین^۱ در یافته‌های پژوهش خود بر این عقیده است که اسلام ساخت شهر را برای ایجاد فضای شهری جهت اسکان پیروان خود و اجرای قوانین به کار گرفته است (حسین، ۲۰۲۴، ۲۸۶). ویژگی و مؤلفه‌های شهر اسلامی نخستین بار در آرمان‌شهر اسلامی حکیم ابونصر فارابی تحت عنوان مدینه فاضله مطرح شد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۹، ۲۶۴). آن واژه‌ای جهان‌شمول است و به مکان یا زمان خاصی تعلق نداشته و صرفاً یک یا چند بعد از زندگی بشر را در نظر نمی‌گیرد. بلکه با نگاهی کلی و جامع، سعی در پاسخگویی به فطرت انسان‌ها دارد (نصیرپور و همکاران، ۱۴۰۱، ۱۳۶).

نخستین بار شرق شناسان غربی، عمدتاً فرانسوی، با مطالعه کالبد شهرهای اسلامی شمال آفریقا، آن را جعل کرده و پاره‌ای از ویژگی‌های آن را با عنوان شهر اسلامی، بیان نموده‌اند (پورمحمدی و همکاران، ۱۳۹۸، ۳۳). منظور از ویژگی و مؤلفه شهر اسلامی، اجزا و عناصر اصلی به وجود آورنده این شهرهای است. از آن جمله: اصل توحید و خدامحوری، حفظ کرامت و عزت‌نفس آدمی، آزادی و برابری، امنیت، اصل مسئولیت و عطوفت به طبیعت (صابر منش و همکاران، ۱۴۰۰، ۶). طبق دیدگاه متخصصان هفت اصل: عدالت، پرهیز از انواع مزاحمت‌ها، ارتباط با طبیعت، محله محوری، محرمت، زیبایی و مسجد محوری، مهم‌ترین اصول محتوایی شهر اسلامی بوده (قاسمی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۸۷)؛ و بدین ترتیب شهر اسلامی برخاسته از آموزه‌های اسلامی در سرزمین‌های گوناگون، نموده‌های متنوعی را به تصویر می‌کشد (آیثم، ۱۴۰۰، ۲۱۲). از این‌رو مفهوم شهر اسلامی به شهرهایی اطلاق می‌شود که در سرزمین‌های دارای فرهنگ و اعتقادات نشئت گرفته از دین اسلام ایجاد یا رشد یافته است (مولائی، ۱۳۹۷، ۲). طبق یافته‌های پژوهشی مولائی (۱۴۰۲) ثابت‌های شهر اسلامی را می‌توان در پنج بخش حق الله، حق النفس، حق الناس، حقوق خلقت زیست‌محیطی و قوانین اخلاقی توصیف و تبیین نمود که اصول شهر و شهرسازی اسلامی را بنیان نهاده و آن را به سوی کمال و سعادت حقیقی هدایت می‌کنند (مولائی، ۱۴۰۲، ۱۴۱). البته این مفاهیم به این معنی نیست که مسلمانان در هر جایی که زندگی کنند، کالبد شهری نیز به‌طور کامل اسلامی است. بلکه این امر بستگی به درجه‌ای از برخوردارگی مسلمانان از آموزه‌های اسلامی دارند که در مبحث مربوط به گونه‌شناسی شهرهای اسلامی کاملاً تشریح شده است.

۲-۱ ماهیت شهر اسلامی

نظریه‌پردازی درباره فرم و عناصر کالبدی شهر اسلامی در جوامع اسلامی، توسط برخی شرق شناسان از اوایل قرن بیستم آغاز شده است (خاتمی، ۱۳۹۸، ۱۶۰). آن‌ها خواه‌ناخواه تحت تأثیر مجموعه‌ای از ادبیات تولید شده توسط خود مستشرقان غربی بودند (ابولغود، ۱۹۸۷، ۱۵۵). باقری، دیدگاه‌های موجود در خصوص مفهوم شهر اسلامی را به دو گروه عمده مخالفان و موافقان شهراسلامی و چند زیر گروه دیگر تقسیم نموده و خلاصه‌ای از آن را به شرح جدول ذیل بیان نموده است (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۲).

۳ مفاهیم، دیدگاه‌ها و ارکان شهر اصیل اسلامی

جدول ۱-۱. دیدگاه‌ها و نظریه‌ها درباره ماهیت شهر اسلامی در قلمرو فرهنگ اسلامی

دیدگاه	نظریه	خلاصه نظریه	پژوهشگران برجسته	نمونه دیدگاه‌ها
موافقان شهر اسلامی	شهر حاصل تمدن اسلامی	نظریه‌هایی که شهرهای حوزه فرهنگ اسلامی را حاصل فرهنگ و تمدن اسلامی می‌دانند.	ریچارد بولت، سیناسور، ویلیام مارس، ولش، گوستاولوبون، گویتین، ابن خلدون، ریچارد فرای، آرمسترانگ	ریچارد بولت: دین اسلام هم در دگرگونی شهرهای پیشین مؤثر بود و هم موجد بر پای و رشد شهرهای جدید با ویژگی‌های خود شد و اسلام در ذات خود دینی شهری است. سیناسور: به‌طور منطقی می‌توان نتیجه گرفت که اسلام تمدنی بنیادگرا، سازنده و شهری است تا تهاجمی؛ درحالی‌که روابط میان دیگر شهرها (مثلاً در یونان باستان) رقابت‌آمیز بوده است.
	شهر متأثر از تمدن اسلامی	نظریه‌هایی که معتقد به وجود رابطه میان ایمان اسلامی و شهر و زندگی شهری هستند.	ویلیام مارس، جورج مارس، ماکس دروئو، میچون، بنت، کاستللو	کاستللو: دین اسلام عامل اصلی مؤثر برای تکامل خاورمیانه غربی و شهرهای ایرانی قرون وسطا محسوب می‌شود.
مخالفان شهر اسلامی	تقلیدی بودن شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی	نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را تقلیدی از شهرهای قدیمی رومی و یونانی می‌دانند.	دادلی ودبری، کلودکوهن، دوپلاتول، سوواژه، لوئیس ماسینیون	دادلی ودبری: ویژگی‌هایی وجود دارد که خاص شهرهای مسلمین نیست و در شهرهای سستی ما قبل دوره استعماری نیز دیده می‌شود. کلودکاهن: بسیاری از ویژگی‌ها و صفاتی که به شهر اسلامی منسوب می‌کنند، در واقع ویژگی‌ها و صفات شهرهای روم شرقی و میانی و ایتالیای پیش از قرون ۱۱ است.
	شرقی بودن شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی نه اسلامی	نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را با صفت شرقی و آن را شهر شرقی نامیده‌اند.	براون، هورانی، ویرث، اهلرز، مومنی، توانا	براون: با نظر به چشم‌انداز شرقی شهرهای موجود در سرزمین‌های اسلامی، نمی‌توان به‌طور صریح عنوان شهراسلامی یا شهر مسلمانان را به کار برد.
	عدم تفاوت اساسی شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی با روستاها	نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط و ویژگی‌های متفاوتی نسبت به روستاها می‌دانند.	برک، کاستللو، گروبنام	-----
	بی‌قاعده و بی‌نظم بودن شهرهای قلمرو فرهنگ اسلامی	نظریه‌هایی که شهر در قلمرو فرهنگ اسلامی را فاقد شرایط و ویژگی‌هایی می‌دانند که یک شهر باید دارا باشد	اریک ریمر، دوپلاتول، روبرت پرونشویگ	دوپلاتول: شهراسلامی ترکیبی از بلوک‌های درهم‌پیچیده‌ای است که به شکل نامطلوبی از طریق کوچه‌های کج و معوج و حیاط‌های تاریک، خانه‌های کم ارتفاع که به شکل بی‌پایانی با حیاط کوچکشان قطعه‌قطعه می‌گردند به نظر می‌رسد بی‌نظمی برجسته‌ترین خصوصیت شهرهای اسلامی باشد.

با نگاهی به جدول ۱-۱ مشاهده می‌شود که در مواجهه با مفهوم شهراسلامی تقریباً دو نگاه عمده قابل تفکیک و شناسایی است که عبارت‌اند از:

نگاه اول: پژوهشگران این گرایش که بیشتر شامل مستشرقان اروپایی بودند با مبنا قرار دادن مجموعه‌ای از شاخص‌ها و معیارهای حاصل از شهر اروپایی تصویر شده توسط ماکس وبر، از منظر شهر اروپایی به شهر اسلامی نگاه کرده و درنهایت با نوعی نگاه بدبینانه، اصل وجود شهر را در حوزه فرهنگی اسلام رد کرده‌اند. عده‌ای دیگر با تقلیدی خواندن این شهرها از شهرهای تمدن‌های گذشته هویت مشخص و متفاوتی برای شهرهای موجود در سرزمین‌های اسلامی قائل نشده‌اند. به‌عنوان نمونه دوپلانول می‌گوید: اسلام نتوانست جایگزینی برای تمدن قدیمی شهرهای فتح شده بیابد و خیلی ساده به تقلید از شهرهای قدیمی موجود پرداخت؛ زیرا بازار آن، چیزی جز تکرار بازارهای رومی و قیصریه‌های آن، جز همان سیلیکای رومی نیست یا در همین زمینه سوواژه معتقد است که شهر اسلامی جز تقلیدی از شهرهای اروپایی، چیز دیگری نیست (عمران‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳، ۷۳).

نگاه دوم: محققان و طرفداران منتسب به این گرایش، نظری کاملاً متفاوت نسبت به گرایش اول دارند. پژوهشگران این گرایش عمدتاً شامل بخشی از محققان مسلمان و مستشرقان هستند که با دید احترام و تحسین به فرهنگ و تمدن اسلامی نگاه می‌کنند. منتها برخلاف نگاه بدبینانه گروه اول، این گروه با نگاه بسیار خوش‌بینانه خود تقریباً با علت‌العلل خواندن عامل اسلام، شکل‌گیری و بسط تمامی ساخت‌های اجتماعی-فرهنگی و کالبدی شهرهای سرزمین‌های اسلامی را به دین اسلام نسبت داده و با این رویکرد به توصیف و گاه توجیه ساخت‌ها و فرایندهای حاکم بر شهرهای مسلمانان پرداخته‌اند (همان، ۷۴). به‌عنوان مثال به عقیده فیشر^۱ اسلام یک دین شهری است و آداب، اعتقادات، و ارزش‌های دینی، به‌ویژه آن‌هایی که مربوط به تشکیلات و اقتدار بود، بر تجمع اجتماعی تأکید می‌کرد و از عشایر و پراکندگی جلوگیری می‌کرد.

شهرهای مسلمان‌نشین اولیه مانند شهرهای مغرب زمین نظیر: القسطنطی، تونس، رباط با ایفای نقش ارگ ایمان برای تبلیغ اسلام بر پا شدند. آن‌ها به پذیرایی از نوکیشان اختصاص داشتند به همان ترتیب که مدینه مهاجران مکه را پذیرفت (آل سعود^۲، ۲۰۰۱،

۱. Fischel، فیشر از جمله نظریه‌پردازانی است که معتقد بود شهر متأثر از تمدن اسلامی است.

۲). بابائی نیز به اتفاق همکاران خود ۱۸ مفهوم متمایز و درعین حال مرتبط را شناسایی کرده است که چارچوب مفهومی شهراسلامی را تشکیل می‌دهند. این مفاهیم طبق جدول ۱-۲ مجموعاً جهان نظری شهراسلامی را تبیین می‌کنند که در قالب نه طبقه دسته‌بندی شده‌اند و هر طبقه مشتمل بر یک مفهوم یا بیشتر می‌باشد (بابائی سالانقوچ و همکاران، ۱۳۹۳، ۱۱۳).

جدول ۱-۲. مفاهیم شهراسلامی

	دسته	مفاهیم	خلاصه مفاهیم
۱	چشم‌انداز آرمانی	آرمان‌شهر نظری - تجریدی	خصلت‌های معاضدت، همیاری بر امور معنوی، رخ نمودن ملکه عدالت در رفتار و اندیشه همه شهروندان، نظم‌گرایی، نزاهت اخلاقی و عملی جامعه و شهروندان جامعه اسلامی.
		آرمان‌شهر عینی	چنین فضای عینی تنها در صدر اسلام وجود داشته است.
۲	کالبدی	کالبد اسلامی	نوعی اجماع در اندیشه شرق شناسان وجود دارد که شهر اسلامی دارای ویژگی‌هایی است: مسجد، سوق، ارگ، مناطق مسکونی و محله، مدارس، شبکه خیابانی، دیوار، نمای خارجی حال آنکه ارزش اسلامی فرای کالبد مکان و زمان است.
		پارادوکس میان شکوه و سادگی	اسلام مانع غلو کردن در امر بناها بوده و اسراف در این راه را بی‌آنکه جانب میانه‌روی مراعات شود روا نمی‌دارد.
۳	کل‌نگر	تناظر	شهر اسلامی متناسب با انسان و نیازهای جسمانی و روحانی او شکل می‌گیرد؛ بنابراین پیش از بر پایی چنین شهری، باید انسان در معنای دینی محقق گردد.
		محصول تمدن	شهر اسلامی، شهری است که مظاهر تمدن اسلامی در آن نمود دارد و دارای هویت خاص فضایی، فرهنگی و تاریخی است و ویژگی‌های آن در ارتباط با دین اسلام و از قرآن و سنت نشئت گرفته است.
۴	متنی	قرآن	قرآن کریم از جمله منابع اصیل و بنیادین در تشریح رویکرد اسلام به ویژگی‌های شهر مطلوب است.
		روایی - حدیثی	ماهیت و خصوصیات احادیث و روایات اسلامی بیشتر ویژگی‌های شهر مطلوب اسلامی، خصوصیات ساکنان و شهروندان آن و بایسته‌های مدیریت و اداره شهر و به عبارتی محتوای شهر اسلامی است.
۵	تمایز	با شهر غربی	بنیاد تمایز شهر اسلامی با شهر غربی در آرای شرق شناسان نهفته است و مقایسه آن‌ها بر پایه معیارهای ماکس وبر قرار داشت. با این پیش‌فرض که شهرهای اسلامی از نظر کالبدی جلوه‌گاه تجلی خاصی از اصول و ارزش‌های اسلامی بوده و از شهرهای سایر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها متمایز است.

	دسته	مفاهیم	خلاصه مفاهیم
		با شهر پیش از اسلام	بنیاد این نوع تمایز نیز به شرق شناسان نسبت داده شده است و آن را می‌توان ذیل مؤلفه‌هایی چند از جمله، بازارها، مراکز آموزشی، محلات مسکونی، هندسه شهرها، خیابان‌ها، بناهای مذهبی و تفاوت وضعیت آن‌ها با عناصر پیش از اسلام بررسی کرد مورد مذاقه قرارداد.
		با شهر مدرن	علی‌رغم ادعای برخی محققان عمدتاً غربی که در قیاس با شهر مدرن امروزی تمدن اسلام را زوال یافته تلقی می‌کنند، واقعیت غیر از این است.
۶	واقعیت	تاریخی- سنتی	مفهوم تاریخی- سنتی شهرهای بنا شده در قلمرو جغرافیایی زیست و حکومت را شهر اسلامی نامیده است و ذیل موضوعاتی چون گونه‌ها، بخش‌های اصلی شهر و عناصر مهم شهری به بررسی آن‌ها می‌پردازد.
		فلسفه ساخت	اجزای مؤلفه‌های فلسفه ساخت شهر عبارت‌اند از: بندگی، امنیت، جاودانگی، عدالت، به هم پیوستگی از درون، تغییر مداوم و خلقی جدید، جمع‌گرایی، ارتباط بین اجزا و اجزا با کل، توجه به طبیعت و انسجام.
۷	فرا کالبدی	فرامکانی- فرازمانی	شهر اسلامی ماهیتی است ثابت که در هر زمان و مکان تجلی ویژه خویش را خواهد جست.
		نهادی	نهادهای دینی، اجتماعی، قانونی، اجرایی، تحصیلی و ... از عوامل مؤثر شکل‌دهی شهر اسلامی است و شبکه ارتباطات شهرهای اسلامی را کنترل و بر آن حکومت می‌کند.
		فقهی- شرعی	شهرهای اسلامی بیش از همه از دستورات و قوانین اسلامی متخذ از کتاب، سنت، فقه، اجتهاد و اجماع تأثیر پذیرفته است.
۸	حقوقی	قانونی	عرضه‌کننده دستورالعمل‌هایی برای اسلامی کردن محیط زندگی، تطبیق شهرها با فرهنگ اسلامی و متجلی نمودن شهراسلامی است.
۹	انطباق	با مفاهیم مدرن	در عرصه شیوه‌ها و آکاوی فراکالبدی شهراسلامی و سنن آن با ارزش‌های شهرسازی نوین در سه شناسه وابستگی خود را به چهار شناسه هم‌آمیزی پاره‌های کالبدی شهر اسلامی نشان می‌دهد، شناسه یک گسترش پایدار، آهسته و پیوسته، شناسه دو راهبردی بودن، شناسه سه خردگرایی و رشد هوشمند.

(بابانی سالانفوج، ۱۳۹۳)

نظریه و تحلیل جامع دیگر، درباره شهر به‌طور کلی و شهراسلامی به‌طور ویژه، بدون توجه به سه مؤلفه انسان مسلمان، فضای مسلمانی، سیمای اسلامی، نمی‌تواند ارائه شود و از این‌رو شهر اسلامی به‌واسطه سه مؤلفه یاد شده به صفت اسلامی بودن متصف شده و عناصر شهر اسلامی و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده آن از قبیل خانه، همسایگی، محل، مسجد، میدان، بازار و غیره، ترکیبی را در شهر پدید آورد که در آن

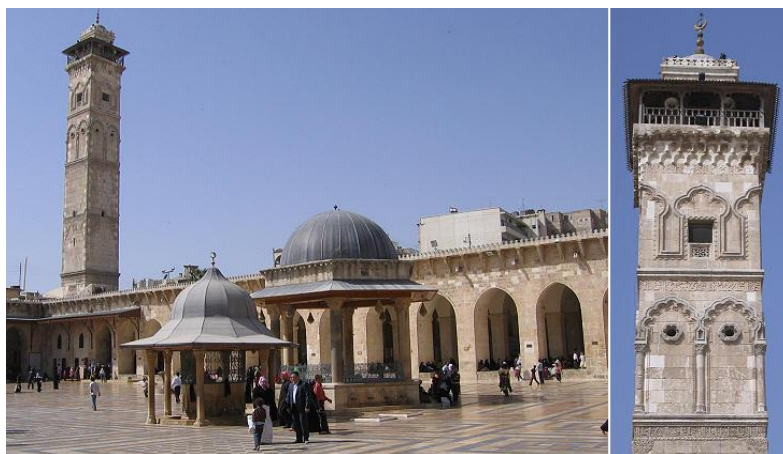
تعادل منطقی بین محیط و انسان ایجاد گردد (بیات، ۱۳۹۳، ۱۴۳). سه مؤلفه مذکور عبارت‌اند از:

- انسان مسلمان: به اعتقاد فارابی مهم‌ترین متغیر در شهر اسلامی نقش اخلاق اسلامی و مسلمانی در طراحی شهری است و شهراسلامی شهری است که زیستگاه مسلمانان محسوب می‌شود.
- فضای کالبدی و سیمای اسلامی: سیمای کالبدی شهر اسلامی بایستی بازنمای نهادهای دینی باشد زیرا صرفاً به دلیل زیست مسلمانان در یک شهر نمی‌توان آنجا را شهر اسلامی دانست بلکه معماری و طراحی آن نیز باید بر اساس ویژگی‌ها و نمادهای اسلام به‌عنوان زیست‌گاه مسلمین باشد.
- فضای اجتماعی مسلمانی: علاوه بر انسان مسلمان و کالبد، مهم‌ترین مؤلفه شهراسلامی فضای اجتماعی اسلامی است که ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای رفتاری و اخلاقیات مبتنی بر دین اسلام را شامل می‌شود. لذا اخلاق در اسلام اساس روابط اجتماعی بوده و از سجایای وجودی فردی است؛ اما در متن و بطن با دیگران در فضای زیست اجتماعی متجلی می‌شود و تمام تأکید دین مبتنی بر همین تجلی اخلاق است که در روابط فردی، محیط همسایگی، محیط کاری، فضای اقتصادی، و ... به نمایش گذاشته می‌شود؛ بنابراین تأکید اسلام بر تدوین الگوی فضای زیست در شهر بر همین محور قابل تحلیل است. در شهر اسلامی الگوی روابط بین شهروندان مسلمان و نیز روابط بین شهروندان با نهادهای اجتماعی بر اساس ارزش‌های اسلامی تنظیم و اجرا می‌گردد.

۱-۳ شهراسلامی از دیدگاه شرق شناسان غربی

همان‌طور که اشاره شد مفهوم شهر اسلامی نخستین بار در اوایل قرن بیستم میلادی توسط پژوهشگران بکار گرفته شد و منظور از آن، شهرهایی بود که به لحاظ ویژگی‌ها و عناصر فیزیکی نظیر جدایی فضاهای عمومی و خصوصی و سلسله مراتب شغلی در بازار، با ارزش‌های دینی اسلام انطباق داشته باشد (هرزندی و همکاران، ۱۴۰۱، ۵۱). در این رابطه شرق شناسان فرانسوی اولین نویسندگانی بودند که اصطلاح شهر اسلامی را بکار گرفتند و این شهرها را در گروه خاصی دسته‌بندی نمودند. از آن زمان به بعد در خصوص نحوه شکل‌گیری شهر اسلامی مطالعات متعددی از سوی پژوهشگران صورت

گرفت. مستشرقان تحت تأثیر تفکر غربی قرار داشتند، زیرا به مطالعه شهرهای غربی عادت داشتند، مانند بررسی دوگانگی‌ها، مانند شرق و غرب، مدرن و پیشامدرن، اروپایی و اسلامی، رومی و اسلامی، شهر و روستا و ... شهرهای زایشی و انگلی این جهت‌گیری فرهنگی آن‌ها را برانگیخت تا شهرهای اسلامی را با هم‌تایان غربی خود مقایسه کنند. خاورشناسان زیادی بودند که رویکرد دوگانگی قطبی را پذیرفتند و سعی کردند مدلی برای مقایسه ایجاد کنند. درحالی‌که آشکارا یک قطب را ترجیح می‌دهند و نقاط ضعف قطب دیگر را برجسته می‌کنند. برای مثال، ژان سوواژه (۱۹۵۱-۱۹۳۴) در مطالعات خود درباره شهرهای اسلامی کار خود را با مقایسه شهرهای قدیمی رومی و اروپای قرون وسطی با شهرهای مسلمان مانند حلب و دمشق، آغاز کرد؛ که در شکل ۱-۱ قابل مشاهده است. ساواژه برای اثبات برتری شهرهای اروپایی بر شهرهای اسلامی، مدلی آرمانی از شهری را ایجاد کرد که در حقیقت هرگز حتی در غرب وجود نداشت او در این شهر خیالی، سیستم‌های شهرسازی امپراتوری روم باستان را با سیستم‌های اداری شهر اروپایی قرون وسطایی ترکیب کرد (زمل، ۲۰۰۹، ۱۱).



شکل ۱-۱. مسجد جامع شهر حلب، تأسیس ۷۱۵ قمری (گرسن مایر و آل خلیل، ۲۰۱۷)

در سال‌های اخیر تعدادی از محققین سعی در مطرح کردن ایده‌های نو دارند که اغلب ریشه در متون غرب دارد. برای بررسی نحوه تحول روش‌های مطالعاتی مربوط به شهر اسلامی و تعاریف گوناگون آنکه اغلب از سوی شرق‌شناسان غربی ارائه شده است

که عمدتاً این مطالعات در زمینه‌های کالبدی و ریخت‌شناسی شهرهای اسلامی انجام شده بود (الکونی و رفعت، ۲۰۲۳، ۱۸). آن‌ها در سه مرحله یا دوره اقدام به مطالعه نمودند در مرحله نخست مکتب شهر اسلامی مغربی از سال ۱۸۷۲ تا ۱۹۵۶ شکل گرفت و در مرحله دوم در طول دهه ۱۹۶۰ مطرح و پیش رفت و در نهایت مرحله سوم از دیدگاه تازه و چشم‌اندازی باز به مجموعه مطالعات شهر اسلامی پرداختند (کازمی و محمدی، ۱۴۰۱، ۵۵)؛ که به شرح ذیل به سه دوره تقسیم شده است:

الف) پژوهشگران دوره اول: پژوهشگران این دوره صرفاً فرانسوی بودن و آن‌ها به دلیل حضور خود در شهرهای کشورهای استعماری غالباً شهرهای مستعمره را مورد مطالعه قرار دادند نظیر: شهرهای سوریه به‌ویژه حلب و دمشق و شهرهای اسلامی شمال آفریقا از جمله مراکش (علی‌خودجا، ۲۰۱۹، ۳۸)؛ که نمونه‌ای از معماری مساجد در شکل ۱-۲ ارائه شده است.

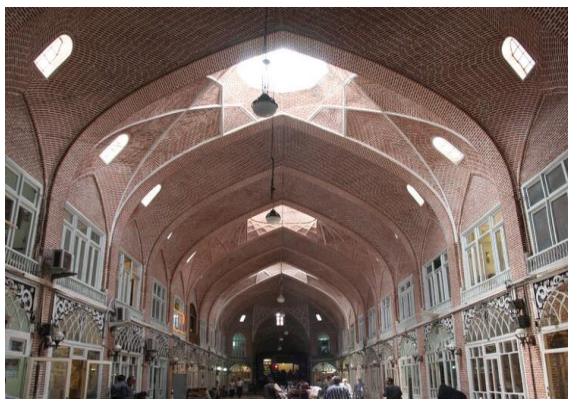


شکل ۱-۲. مدینه مراکش (یونسکو، ایونفرونو)

ملاک آن‌ها در مطالعه، اغلب عناصر و بافت معدودی از شهرهای اسلامی مذکور بود که پس از اتمام مطالعات آن را شهرهای یونان و روم و دوره‌های قبل از اسلام مقایسه می‌کردند درحالی‌که اسلام بیش از آنکه به کالبد شهر بپردازد، روح و شرایط زندگی در یک اجتماع انسانی را مدنظر قرار می‌دهد؛ یعنی بیش از آنکه به دنبال ارائه ساخت کالبدی مشخصی از شهر باشد بیشتر به دنبال مفهوم خاصی از شهرنشینی می‌باشد. مفهومی که عواملی همچون امنیت فراگیر در تمامی زوایای زیست در یک

شهر، آزادی بیان و عقیده، تجلی تعالیم و ارزش‌های والای اسلامی در ساخت کالبدی شهر، پایداری و تعامل با محیط‌زیست، تجارت پاک و سالم و فقدان دروغ و گناه در شهر اسلامی را شامل می‌شود (فرجام و همکاران، ۱۳۹۰، ۲۹). لذا پرداختن پژوهشگران شرق‌شناس به مقوله عناصر و بافت شهر اسلامی از آن جهت بود که در آن دوره، فرانسه خود را به‌عنوان احیاکننده میراث رومی می‌دانست و به این جهت طرح‌های منظم و هندسی رومی، ملاک مقایسه آنان بود و به این دلیل در مقایسه شهرهای اسلامی با شهرهای ساخت یونان و روم، ایراداتی را بر شهرهای اسلامی وارد می‌نمودند.

ب) پژوهشگران دوره دوم (تجدیدنظر طلبان): در طول دهه ۱۹۶۰ مفهوم شهر اسلامی جعل شده از سوی شرق‌شناسان فرانسوی توسط تعدادی از نویسندگان نظیر لاپیدوس، حورانی، اویگن ویرث، مورد تجدیدنظر قرار گرفت. شیوه مطالعه پژوهشگران این دوره متفاوت از دوره اول بود آن‌ها سعی کردند خود را از چارچوب بسته دوره اول خارج کنند و در مطالعات خود، جامعه شهری و نهادهای شهری و مسائل اجتماعی و فرهنگی مسلمانان را مدنظر قرار دهند و تنها بر بافت و عناصر شهری تکیه نکنند. این نقطه عطفی بود که از این زمان به بعد مطالعات و تحقیقات پیرامون شهرهای اسلامی سمت و سوی دیگری به خود گرفت و نتیجه این مطالعات امکان وجود شهر اسلامی را به‌طور کامل مورد قبول قرار می‌دهند. هر چند که برخی از این پژوهشگران مشخصه شهر اسلامی را در بافت آن خلاصه نمودند و به شکل ۱-۳ عناصری چون مسجد، بازار و قیصریه را ویژگی شهر اسلامی نامیدند.



شکل ۱-۳. بازار شهر اسلامی تبریز (یونسکو، پرونده ۱۳۴۶)

اما آن‌ها هرگز نتوانستند اصل ماهیت وجودی و صفات شهر اسلامی را بیان کنند هر چند که آن‌ها اقدام به تألیف کتب شهر اسلامی و کنفرانس‌های متعدد درباره شهر اسلامی نموده‌اند.

ج) پژوهشگران دوره سوم (نگرش نو و منتقد): تلاش نویسندگان دوره اول و دوره دوم برای تعریف شهر اسلامی ریشه در مطالعات فلسفی غربی داشت. از سوی دیگر به دلیل تمرکز بیش از حد روی شکل و ساختار، دنباله‌رو روش سنت‌گرای بودند که با تعمیم‌های تقلیل‌گرایانه و منفی سعی در نام بردن عناصری به‌عنوان اجزای شهر اسلامی داشتند؛ اما نویسندگان دوره سوم نسل جدید هستند و تلاش می‌کنند شهر اسلامی را از منظرهایی نو مورد توجه قرار دهند و سطوح جدیدی از شناخت را بر روی مطالعات شهر اسلامی بگشایند به‌عنوان مثال ابولغود با بیان تأثیر مسائل شرعی، مالکیت و جنسیت در ساخت شهر اسلامی، تا حدودی بر ماهیت وجودی شهر اسلامی نزدیک‌تر شده است؛ اما آن‌ها نیز شهرهای اسلامی را با شهرهای قرون وسطی اروپایی و حتی شهرهای مسلمان‌نشین و هندوئشین کشور هند مقایسه می‌کردند و تمایزاتی را در قالب عناصر فیزیکی شهر مطرح می‌نمودند. در واقع در طول هر سه دوره ملاک سنجش پژوهشگران شرق‌شناس، معیارهای ارائه شده شهری از سوی ماکس وبر بود. آن‌ها در صورتی که معیارهای ارائه شده از سوی نظریه‌پردازان شهری همچون ماکس وبر را در شهرهای اسلامی مورد مطالعه نمی‌یافتند، به‌راحتی نتیجه می‌گرفتند که آن‌ها در واقع نه با شهرها بلکه با گونه خاصی از زندگی شهری روبه‌رو هستند. غافل از اینکه عناصر شهر اسلامی بر پایه مؤلفه‌های اسلامی قرار دارد نه بر پایه عناصر فیزیکی چرا که عناصر فیزیکی ماهیت وجودی خود را از آموزه‌ها و تعالیم وحیانی دریافت نموده است. به‌عنوان مثال پایین بودن سردر ورودی حیاط از هشتی به‌منظور پیاده‌سازی مؤلفه تواضع، حیاء و محرمیت بوده و یا آریب بودن پله‌ها مخصوصاً در بناهای تاریخی (مانند بناهای دوره صفویه) و گاه‌آستنی (دوره قاجار به بعد) بر پایه مؤلفه عدم اشراف بصری بوده است. جدول ۱-۳ این گروه را در قالب سه مکتب مورد بررسی قرار می‌دهد: